

مقاومت مردم‌پایه در حکمرانی اسلامی (آثار و پیامدها)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۴

تاریخ تألیف: ۱۴۰۲/۸/۱۰

محمد ملک‌زاده*

چکیده

مقاومت در منابع دینی، سیره سیاسی و حکومتی انبیا و پیشوایان معصوم علیهم‌السلام دارای پشتوانه مردمی است. قرآن کریم رسالت مهم پیامبران الهی را این گونه توصیف می‌کند که آنان با مقاومت در مسیر مبارزه با سنت‌ها و مناسبات غلط اجتماعی - بدون واگهی‌داشتن از احدی جز خدا - به وظیفه سنگین رسالت خویش برای اصلاح جوامع بشری و بهبود روابط اجتماعی عمل می‌نمودند. مردمان مسلمان نیز در توصیف خداوند کسانی‌اند که در کنار رهبران اسلامی با اراده و انتخاب خویش مقابل پیشوایان کفر و پیمان‌شکن ایستادگی می‌کنند. توجه به نقش مردم در مقاومت و بررسی آثار و نتایج آن در حکمرانی اسلامی موضوع و هدف اساسی این مقاله است. بر اساس یافته‌های این پژوهش محور اصلی مقاومت در حکمرانی اسلامی مردم‌اند. به عبارتی مقاومت در اندیشه اسلامی با مشارکت مستقیم و داوطلبانه مردم شکل می‌گیرد و برای تحقق اهداف مردمی استمرار می‌یابد. چنین مشارکت داوطلبانه‌ای آثار فراوانی در ابعاد مختلف به همراه خواهد داشت. این فرضیه از طریق روش توصیفی - تحلیلی در خلال تبیین نتایج و پیامدهای مقاومت در حکمرانی اسلامی به آزمون نهاده خواهد شد.

واژگان کلیدی: آثار و پیامدها، حکمرانی اسلامی، روابط بین‌الملل، مردم، مقاومت.

میزان حضور و تعامل مردم با حکومت همواره به عنوان یکی از دغدغه‌های مهم در نظام‌های سیاسی به‌ویژه نظام اسلامی مطرح بوده است. مهم‌ترین تأثیرات این حضور را می‌توان در تقویت بنیان‌های نظام و استحکام آن در مواجهه با تهدیدات گوناگون داخلی و خارجی و توان ایستادگی و مقاومت در برابر آنها مشاهده کرد؛ از سوی دیگر امروزه با ظهور تهدیدات نو علیه جهان اسلام در عرصه بین‌الملل، بازتولید و توزیع راهبرد مقاومت برای مواجهه با این تهدیدات، اهمیتی دوچندان یافته است. همزمان با تلاش غرب جهت جهانی‌سازی آموزه‌های لیبرالیستی، ظهور و گسترش هسته‌های مقاومت در منطقه غرب آسیا، شمال آفریقا و سایر مناطق جهان نیز افزایش یافته است. تحریم‌های بین‌المللی از سوی یک کشور قدرتمند مانند آمریکا علیه ملت‌های اسلامی، از جمله تهدیدهای نو است که امروزه به عنوان ابزاری متعارف در جنگ‌های مدرن مورد استفاده قرار می‌گیرند. کشور تحریم‌کننده با این ابزار می‌تواند بدون توسل به خشونت متعارف در جنگ‌های کلاسیک با اعمال تحریم‌های ظالمانه جان صدها هزار نفر را به خطر اندازد. در حکمرانی اسلامی چگونگی مواجهه با این تهدید یا تهدیدهای مشابه را می‌توان با توجه به کارکردها و نتایج مقاومت در مبنای اندیشه اسلامی مطالعه و کاوش کرد. بر این اساس بررسی نتایج مقاومت در حکمرانی اسلامی موضوع و محور اصلی این مقاله است. سؤال اصلی این است که ماهیت و عملکرد مقاومت در حکمرانی اسلامی چیست و دارای چه نتایج و پیامدهایی برای مردم و جامعه اسلامی می‌باشد؟

با بررسی در بین آثار دردسترس شامل کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها و سایت‌های اینترنتی مرتبط با موضوع تحقیق مشخص گردید که تا کنون تحقیقی مستقل درباره بررسی ماهیت مردمی مقاومت در حکمرانی اسلامی و آثار و نتایج آن انجام نگرفته است. بیشتر آثار موجود درباره مقاومت شامل مقالات یا مباحث پراکنده در خلال آثار دینی با موضوعات پژوهشی مختلف می‌باشد و برخی نیز موضوع مقاومت را به صورت مصداقی و نه به عنوان بررسی مباحث این موضوع در اندیشه سیاسی اسلام مورد توجه قرار داده‌اند. در این زمینه می‌توان به آثاری که به بررسی جریان مقاومت اسلامی در فلسطین، عراق یا سایر مناطق اسلامی پرداخته‌اند، اشاره کرد. اثری نیز با عنوان مقاومت در اسلام؛ نظریه و الگو از آقای اصغر افتخاری انتشار یافته است که آن نیز خارج از چارچوب تحقیق حاضر می‌باشد. این تحقیق پس از تبیین نقش مردم در مقاومت مورد نظر اسلام به دنبال کشف

نتایج مقاومت در حکمرانی اسلامی است. نگارنده در این تحقیق علاوه بر درک ماهیت الگوی مقاومت در اندیشه اسلامی، به بررسی آثار و پیامدهای آن با توجه به جایگاه مردم در حکمرانی اسلامی خواهد پرداخت.

بر اساس فرضیه پژوهش حاضر، مقاومت در حکمرانی اسلامی بر پایه رضایت و مقبولیت مردمی و با مشارکت مستقیم و داوطلبانه گروه‌های مختلف اجتماعی شکل می‌گیرد. چنین مقاومتی آثار و پیامدهای فراوانی در ابعاد مادی و معنوی برای مردم به همراه خواهد داشت. این فرضیه از طریق روش توصیفی-تحلیلی در خلال تبیین آثار مقاومت در حکمرانی اسلامی به آزمون نهاده خواهد شد.

۱. تبیین مفاهیم

در این تحقیق اصطلاحاتی به کار رفته که ابتدا مفاهیم آنها تبیین می‌گردد:

الف) حکمرانی، حاکمیت و حکومت

حکمرانی (Governance)^{*} به معنای لغوی فرماندهی و فرمان‌روایی کردن (دهخدا، ۱۳۴۱/ عمید، ۱۳۸۹)، پدیده‌ای است که در ادبیات سیاسی معاصر ناظر به حیات جمعی و زیست اجتماعی تمام گروه‌های انسانی می‌باشد (ر.ک: بالوی و بیات کمیتکی، ۱۳۹۳، ص ۵۸۴-۵۴۹). بر اساس این تلقی، حکمرانی گرچه در لغت به معنای حکومت نیز معنا شده (معین، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۳۶۷)، در اصطلاح امروزی تنها ناظر به حکومت و دولت نیست، بلکه کل جامعه را در بر می‌گیرد که دولت فقط یکی از بازیگران آن است؛ به عبارتی در حکمرانی، میان دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی (سازمان‌های مردم‌نهاد) تعامل وجود دارد (مفتح و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۱۵۱-۱۷۵) و رویکردی یکپارچه به تصمیم‌گیری و مدیریت اجتماعی به وجود می‌آورد (Hodes, 1999, p.635). یک حکمرانی خوب از دید محققان، به معنای اداره امور کشور و جامعه و تنظیم رابطه دولت و شهروندان توسط مردم است (نقیبی مفرد، ۱۳۸۹، ص ۱۳۰) و شامل مؤلفه‌هایی چون مشارکت جمعی، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخ‌گویی،

^{*} برای واژه انگلیسی «Governance» در زبان فارسی معادل‌های فراوانی همچون فرمان‌روایی، زمامداری، ولایت، امارات، تدبیر امور، رهبری کردن، حکم‌روایی و حکمرانی مطرح شده است.

مسئولیت‌پذیری، توافق جمعی، برابری و اثربخشی می‌باشد (Baptiste, 2003, p.12).

حکمرانی خوب (Good governance) نیز در تعریف یونسکو به معنای سازوکارها، فرایندها و نهادهایی تعریف شده که شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی به واسطه آنها منافع مدنی خود را دنبال می‌کنند (میدری، ۱۳۸۵). این اصطلاح در اواخر دهه ۱۹۸۰ وارد ادبیات توسعه شد و حکمرانی خوب را حاصل تعامل و ارتباط متقابل دولت و کنشگران جامعه مدنی جهت نیل به توسعه در کشورها تعریف نمود. بانک جهانی در تشریح حکمرانی خوب، آن را شامل حق اظهار نظر مردم و پاسخگویی دولت در قبال سیاست‌هایی می‌داند که به نحوی بر مردم تأثیرگذار باشند. مردم باید بتوانند دولت را در قبال چنین سیاست‌هایی بازخواست کنند (World Bank Institute 2018).

حکومت (Government) به معنای حکم‌دادن و فرمان‌روایی (عمید، ۱۳۸۹) و داوری و قضاوت‌کردن (معین، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۳۶۷) شامل دستگاه سازمان‌یافته‌ای است که اعتبار و مشروعیت آن متکی به عوامل چندی مانند رأی مردم، قوانین الهی، مدنی و یا سنتی است (تهامی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۳). بر این اساس حکومت در مقایسه با حکمرانی، بعد عمودی ساختار سیاسی و تشکیلاتی در یک کشور را شامل می‌شود (مجتهدزاده، ۱۳۹۲، ص ۳۳). از نگاه برخی محققان، حکومت با دولت یکسان تلقی می‌گردد؛ اما بسیاری دیگر، حکومت را وسیله و ابزار یا سازمانی در دولت می‌دانند که به طور معمول از سه بخش قوه مجریه، مقننه و قضاییه به همراه تشکیلات اداری مربوطه تشکیل شده است (قالیاف، ۱۳۹۱، ص ۴۳).

واژه حاکمیت (Sovereignty) از ریشه لاتینی «Superanus» به معنای برتر بودن گرفته شده است (رحمت‌اللهی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۰). این واژه همواره با نوعی قدرت یا اقتدار حکومتی یا قانونی همراه است (عالم، ۱۳۸۴، ص ۱۵۳) و معنای آن، اعمال قدرت عالی دولت و قانون‌گذار و مجری قانون است که در بالاترین جایگاه قدرت قرار دارد (آشوری، ۱۳۹۱، ص ۱۲۸). بر این اساس حاکمیت در حکمرانی از آن قدرت برتر عمومی خواهد بود.

با توجه به تعاریف فوق، مهم‌ترین تفاوت میان حکمرانی با حکومت از نگاه محققان، پررنگ‌شدن نقش گروه‌های مردمی در حکمرانی و شاخصه اجتماعی بودن آن است؛ از این رو برخی معتقدند در حکمرانی، حاکمیت به شیوه هوشمندانه و نرم اعمال می‌شود و به فرایندهای تصمیم‌گیری و چگونگی روابط دولت و حکومت‌کنندگان با شهروندان اشاره دارد (Johnson,

9, p.1997)؛ در حالی که در ادبیات سیاسی، حکومت یکی از ارکان دولت-کشور (Nation-state) شناخته می‌شود و مفهوم آن، سیطره اراده برتر در یک قلمرو سرزمینی معین است (عالم، ۱۳۷۵، ص ۱۴۵)؛ از این رو حکمرانی دارای اقتدار بیشتری در مقایسه با حکومت می‌باشد؛ به عبارت دیگر می‌توان حکمرانی را فرایندی دانست که در گستره ملی تعریف می‌شود. ارتقای مشارکت مردمی در مقایسه با حکومت و تبدیل مشارکت به شراکت اجتماعی شاخصه اصلی آن است و در آن از ظرفیت گروه‌های اجتماعی و نهادهای مردمی در موضوعات مختلف سیاسی-اجتماعی بیشتر استفاده می‌شود (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۳، ص ۲۹۷).

ب) حکمرانی اسلامی

دو رویکرد درباره حکمرانی و امکان تحقق آن در جوامع اسلامی یا امکان تطبیق آن با مبانی دینی وجود دارد: برخی حکمرانی را برگرفته از اسناد بین‌المللی و در تعارض با مفاهیم اسلامی می‌دانند و از این جهت تحقق آن در نظام اسلامی را امری غیرممکن یا نامطلوب می‌دانند (مفتح و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۱۵۱-۱۷۵). در مقابل گروه دوم معتقدند اصول حکمرانی از ظرفیت کافی برای تطبیق با نظریه‌های اسلامی برخوردارند (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۳، ص ۲۹۴)؛ تا آنجا که برخی از اصطلاح «حکمرانی متعالی» ناظر به بعد معنوی انسان نیز استفاده نموده و آن را شیوه‌ای از حکمرانی در یک نظام الهی دانسته‌اند که در آن به سعادت دنیوی و اخروی مردم در یک حوزه جغرافیایی توجه شده است (ابطحی و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۲۸).

در مجموع به نظر می‌رسد با توجه به پذیرش جایگاه مهم مردم در نظام اسلامی و طرح آن در قالب نظریه مردم‌سالاری دینی می‌توان از حکمرانی اسلامی نیز سخن گفت.

ج) مردم

واژه مردم در ادبیات سیاسی از جمله واژگانی است که تعریف آن را می‌توان سهل و ممتنع دانست؛ یعنی واژه‌ای که به ظاهر آسان و آشکار است؛ اما تعریف و توضیح آن در الفاظ اندکی مشکل باشد، مگر با گنج‌اندیدن معانی بسیار (التهانوی، ۱۹۹۶م، ص ۷۶۶). محققان در توضیح شناسه مردم تحقیقات زیادی انجام داده‌اند (جعفری کرمانشاه و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۳۹-۳۱). در لغت «مردُم» به جمعی از انسان‌ها گفته می‌شود که افراد یک قومیت یا ملت را شامل می‌شود

(دهخدا، ۱۳۴۱)؛ اما در اصطلاح سیاسی تعیین مصادیق مردم مشکل است؛ مثلاً در سیاست، «جمهوری» اصطلاحی است که مدعی حکومت مردم است؛ اما این ادعا در عمل چندان قابل اثبات نیست؛ زیرا از زمان یونان باستان که تنها برای برخی از گروه شهروندان حق رأی قایل بود و سپس به وضعیت استبدادی بازگشت، تا زمان معاصر و در برخی حکومت‌های استبدادی موجود از اصطلاح جمهوری استفاده نموده‌اند.

مراد نگارنده از واژه مردم در این نوشتار (موضوع مقاومت و حکمرانی اسلامی)، گروه اکثریتی است که حمایت و همراهی داوطلبانه خود با سیاست‌های کلان نظام اسلامی و مقاومت در برابر نظام سلطه را به صورت آشکار یا با عدم اعلان مخالفت از طریق ابزارهای گوناگون نشان می‌دهند.

د) مقاومت

مقاومت از ریشه «ق-و-م» در کتب لغت به معانی مختلفی مانند ثبات و مداومت (ابن‌الثیر، ۱۳۹۹ق، ج ۴، ص ۱۲۵)، پایداری و ایستادگی (معین، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۴۲۸۶) تعریف شده است. مقاومت در اصطلاح قرآنی به معنای پایداری در دین و ایستادگی در مسیر حق است (ابن‌عاشور التونسی، ۱۹۸۴م، ج ۱۱، ص ۲۸۲). این مفاهیم در ابعاد سلبی و ایجابی و در اقسام مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و... کاربرد دارد که تفصیل آنها خارج از موضوع این نوشتار است. اما درمجموع مقاومت در اندیشه اسلامی از مفاهیمی است که هویت آن بیشتر با حکمرانی سروکار دارد تا مفهوم حکومت؛ زیرا اساس حکمرانی اسلامی، مردم‌پایه بودن آن و مبتنی بر مقبولیت مردمی است.

۲. چیستی «مقاومت مردم‌پایه» در حکمرانی اسلامی

مردمی بودن مقاومت به معنای آن است که وقوع یک نهضت و فرجام آن، بر نقش و حرکت مستقیم و داوطلبانه توده‌های مردم اتکا دارد. در اندیشه اسلامی، مردم خود عامل اصلی هر گونه تغییر و تحول مثبت یا منفی در اجتماع‌اند. تحولات عظیم اجتماعی و سیاسی و رهایی از سلطه استکبار به دست خود مردم تحقق می‌یابد و تا مردم خود نخواهند و اقدامی نکنند، خداوند سرنوشت آنان را تغییر نمی‌دهد (رعد: ۱۱). مقاومت مردم در برابر ظلم و استکبار که موجب تغییر و تحولات مثبت در جامعه اسلامی خواهد شد، به صورت داوطلبانه است و حکومت آن را بر کسی تحمیل نمی‌کند؛ از این رو آیت‌الله خامنه‌ای در تحلیل ناتوانی دشمنان برای نابودی نهضت مردمی

انقلاب اسلامی و پیروزی ملت ایران در جنگ تحمیلی، دلیل آن را اراده خداوند به حمایت از این نهضت، پس از قیام ارادی مردم در برابر ستمگران می‌داند:

اینکه شما دیدید پشت سر عراق، غرب یکپارچه قرار گرفت؛ شوروی و تمام اروپای شرقی یکپارچه قرار گرفتند؛ عرب‌های خلیج فارس و حکومت‌های خلیج فارس که تابع اشاره امریکا بودند، یکپارچه قرار گرفتند و همه به عراق کمک کردند... هدف، نابودکردن ملت ایران بود. ... اما خدا نخواست. ... اراده خدای متعال به نفع یک ملت، تابع اراده آن ملت است. هیچ حقیقت و واقعیتی در متن زندگی یک ملت به اراده الهی تغییر پیدا نمی‌کند؛ مگر وقتی که خود آن ملت بر آن همت بگمارد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۷/۶).

در مجموع مقاومت در حکمرانی اسلامی با مشارکت مستقیم گروه‌های اجتماعی و مردمی تعریف می‌شود و تا مشارکت مستقیم و داوطلبانه مردم نباشد، مقاومت مورد نظر اسلام شکل نخواهد گرفت. به عبارت دیگر مقاومت در برابر تهدیدها و فشارهای دشمن در حکمرانی اسلامی اولاً متکی به قدرت مردم مسلمان و انقلابی است نه سایر ابزارهای مادی قدرت؛ ثانیاً بر مردم تحمیل نمی‌شود، بلکه با رضایت آنان همراه است و تا زمانی که مردم نخواهند، مقاومت اسلامی تحقق نیافته و شکننده خواهد بود.



شکل ۱- رابطه مقاومت با حکمرانی اسلامی

از سوی دیگر پدیده حکمرانی امروزه به عنوان یک موضوع میان‌رشته‌ای بر موضوعات جدیدی مانند تجزیه قدرت میان سطوح دولتی و فرودولتی، گرایش به تمرکززدایی و افزایش

سطوح مشارکت شهروندان تأکید دارد (Pettai, 2004). پژوهشگران این حوزه از جمله محققان اسلامی معتقدند قدرت مؤثر و کارآمد قدرتی است که با دگرگون کردن ساختار سنتی قدرت از طریق مشارکت نهادها و نیروهای مختلف اجتماعی در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی به دست می‌آید. در همین راستا کارآمدی مقاومت آشکار گردیده، می‌تواند در تأمین منافع و اقتدار ملی تأثیرگذار باشد.

۳. چرایی «مقاومت مردم‌پایه» در اندیشه اسلامی

در اندیشه اسلامی چرایی مقاومت مردم در برابر دشمنان با دلایل متعدد آشکار می‌گردد. برخی از مهم‌ترین این دلایل که ناظر به نقش مؤثر مردم در مقاومت می‌باشد، عبارت‌اند از:

الف) نفی سلطه کفار بر مسلمانان

در اندیشه اسلامی هر گونه سلطه کافران بر مؤمنان نفی شده و خداوند مؤمنان را نیز از پذیرفتن سلطه کافران بازداشته است (نساء: ۱۴۱). با توجه به پیشینه قدرت‌های استکباری برای سلطه بر جوامع ضعیف‌تر، تحقق این اصل که بنیان‌گذار جمهوری اسلامی آن را به عنوان یکی از اصول مهم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار داد (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۳۳۸)، بدون شکل‌گیری مقاومت گسترده از سوی مردم در برابر دشمنان دست‌نیافتنی است؛ از این رو آیت‌الله خامنه‌ای از تریبون مجمع عمومی سازمان ملل متحد، از تمام ملت‌های آزاده و مستقل خواست با شجاعت در برابر سلطه نظام‌های سلطه‌گر بایستند و مبارزه کنند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۶/۳۱).

ب) حفظ امنیت امت اسلامی

از مهم‌ترین ادله مقاومت در حکمرانی اسلامی، دفاع از امت اسلامی در برابر استکبار است (توبه: ۱۲). در اندیشه اسلامی دفاع از نوامیس اسلام و امت اسلامی، وظیفه‌ای همگانی و عمومی است که تمام مسلمانان توان‌مند برای رفع فتنه و طغیان‌گری و حفظ عزت نظام اسلامی مکلف به انجام آن می‌باشند (توبه: ۵ و ۳۶ / انفال: ۳۹). برخی اندیشمندان «دفاع از حقوق فطری ملت‌هایی که توسط قدرت‌های کفر و شرک و استکبار از خداپرستی و توحید و عدالت محروم شده‌اند» را نیز

در زمره ادله جهاد و دفاع دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۶۷/ آیت‌الله خامنه‌ای، رساله آموزشی، ج ۱، درس ۷۵، در: <https://farsi.khamenei.ir>).

بر همین اساس پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی، رهبر انقلاب امام خمینی (ره) بر ضرورت دفاع از مردم مظلوم فلسطین تأکید نمود و ملت مسلمان ایران و سایر کشورهای اسلامی نیز از آن استقبال نمودند. ایشان همچنین از همه ملت‌های اسلامی خواستند با نهضت مردم ایران برای مقابله با دشمنان اسلام همراه باشند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۱، ص ۱۰۶). حضور جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با بحران‌های منطقه در راستای همین سیاست دفاع از امت اسلامی و حفظ امنیت مسلمانان ارزیابی می‌شود.

ج) حفظ حقوق مظلومان و مستضعفان جهان

در حکمرانی اسلامی همه مسلمانان در قبال مظلومان و مستضعفان جهان اعم از مسلمان یا غیر مسلمان مسئول‌اند (همان، ج ۱۲، ص ۲۰۲). سیاست دفاع از انسان‌های مظلوم در برابر حاکمان ظالم جزو سیاست‌های محوری انقلاب اسلامی (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۵/۲۵) و از اصولی است که «هیچ وقت در دنیا کهنه نمی‌شود» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۸/۱۶)؛ از این رو اجرای این سیاست را نمی‌توان به معنای دخالت در امور داخلی کشورها تلقی کرد؛ زیرا دفاع از مظلومان جهان که مورد ظلم ستمگران واقع شده‌اند، در هر منطقی پذیرفته شده است؛ همچنان‌که امروزه محکومیت ناقضان حقوق بشر از سوی سازمان‌های حقوق بشری مستقل در جهان پذیرفته شده است و آن را به عنوان دخالت در امور داخلی کشورهای ناقض حقوق بشر تلقی نمی‌کنند. جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مخالفت با حضور سلطه‌جویانه ایالات متحده در مناطق مختلف جهان بر مبنای همین اصل قابل تبیین می‌باشد. اصلی که پای‌بندی به آن، «جمهوری اسلامی را نزد ملت‌های جهان عزیز کرده است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۴/۱۸).

۴. مبانی تاریخی «مقاومت مردم‌پایه» در سیره اسلامی

حضور مردم در هسته‌های گوناگون مقاومت در برابر دشمنان، ریشه در سیره و سنت اسلامی دارد. قرآن کریم پس از فرمان استقامت در برابر ظلم‌ها، سختی‌ها و ناملایمات به مسلمانان

(هود: ۱۱۲)، آنان را از دوستی و سازش با ستمگران منع نموده است (هود: ۱۱۳). پیامبر اسلام و یارانش از هنگام علنی شدن دعوت رسول خدا به اسلام تا زمانی که به مدینه هجرت کردند، به مدت سیزده سال در برابر اذیت و آزارهای جسمی و روحی بزرگان قریش و فشارهای سیاسی و اقتصادی کفار مکه مقاومت سرسختانه‌ای از خود نشان دادند. استقامت و صبر و بردباری پیامبر ﷺ و خاندان و یارانش در شعب ابی طالب که به مدت سه سال در شدیدترین محاصره اقتصادی کفار مکه قرار گرفتند، باعث شد آنان با حداقل امکانات در این جنگ اقتصادی در برابر قبایل قدرتمند قریش به پیروزی دست یابند. آثار این مقاومت‌ها را چند سال بعد در فتح مکه و گسترش اسلام به مناطق مختلف جهان می‌توان مشاهده کرد؛ از سوی دیگر مطالعه تاریخ صدر اسلام نشان می‌دهد هر جا مردم از مقاومت دست کشیدند و پیشوای مسلمانان را به صلح در برابر دشمن وادار نمودند، سختی‌ها و مشکلات عدیده‌ای برای جامعه اسلامی به وجود آمده است. صلحی که مردم آن را به امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام در برابر معاویه تحمیل نمودند، از جمله این شواهد تاریخی است. ترک مقاومت و صلح در برابر دشمن (معاویه) گرچه به دلیل خواست اکثریت از سوی دو امام پذیرفته شد، درنهایت به پشیمانی مردم از عدم مقاومت در برابر دشمن ختم گردید (ر.ک: ملک‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۳۲).

مقاومت مکتب تشیع در برابر دشمنان در طول عصر غیبت تا دوره معاصر پیوسته با هدایت علمای شیعه و پشتیبانی مردم ادامه یافته است. مقاومت گسترده مردم در برابر انعقاد قرارداد استعماری تنباکو در عصر ناصرالدین شاه قاجار که به دنبال صدور فتوای تاریخی میرزای شیرازی در نهضت تحریم تنباکو اتفاق افتاد، دست استعمار را کوتاه کرد و مانع از گسترش نفوذ بیگانگان بر جامعه اسلامی ایران گردید (مدنی، ۱۳۷۱، ص ۹۹-۱۱۰). مقاومت امام خمینی (ره) در برابر قرارداد کاپیتولاسیون (ر.ک: آزاد ارمکی، ۱۳۷۴، ص ۸۸) نیز که ایشان از آن با عنوان «سند بردگی ایران» یاد نمود (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۱۱-۴۱۳) نمونه دیگر از مقاومت ذیل حمایت مردم در عصر غیبت است که به کوتاه شدن دست استعمار آمریکا از ایران و درنهایت پیروزی انقلاب اسلامی ختم گردید.

۵. آثار و پیامدهای مردمی

در خلال بررسی متون اسلامی، دیدگاه اندیشمندان و مطالعه وقایع تاریخی، آثار و نتایج

متعددی از ایستادگی مردم در برابر ظلم و مقاومت در مقابل تهدیدات و فشارهای دشمنان به دست می‌آید. برخی از مهم‌ترین این آثار که منافع آن مستقیماً متوجه خود مردم می‌باشد، عبارت‌اند از:



شکل ۲- نتایج مقاومت مردمی در حکمرانی اسلامی

الف) رضایت الهی از مردم

در اندیشه اسلامی مقاومت مسلمانان در برابر دشمنان اسلام پیش از هر چیز، عمل به تکلیف الهی بوده و جلب رضایت خداوند را به دنبال خواهد داشت. مقاومت در برابر استکبار گرچه می‌تواند به قطع رابطه و افزایش محدودیت‌هایی مانند تحریم اقتصادی منجر شود، اما خداوند به مسلمانان می‌فرماید به واسطه قطع رابطه با دشمنان اسلام و دورشدن تجارت و ثروت آنها از شما، نگران فقر نباشید؛ زیرا خدا شما را به فضل خود بی‌نیاز خواهد کرد (توبه: ۲۸). چنین پیامدی بزرگ‌ترین پیروزی برای مسلمانان به شمار می‌رود و موجب خشنودی و حمایت الهی از جامعه اسلامی و تأمین مصالح عمومی خواهد شد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۳/۱۲/۵).

ب) تقویت رابطه مردم با نظام اسلامی

با توجه به مردم‌پایه بودن مقاومت در حکمرانی اسلامی، یکی از آثار آن را می‌توان تقویت رابطه مردم با نظام اسلامی و در نتیجه آسیب‌ناپذیری نظام مردمی جمهوری اسلامی در برابر دشمنان

معرفی نمود. یکی از نتایج این کارکرد را می‌توان در مقاومت جمهوری اسلامی در حفظ دانش و توان‌مندی بومی هسته‌ای به رغم مخالفت‌های استکبار جهانی مشاهده کرد. با ادامه روند هسته‌ای شدن ایران و دستیابی به چرخه سوخت هسته‌ای، حساسیت کشورهای غربی به دانش هسته‌ای ایران در ابعاد بین‌المللی افزایش یافت. آنان تلاش کردند با تحریک احساسات و همراه‌سازی افکار عمومی جهان، این مسئله را به یک تهدید بین‌المللی علیه ایران تبدیل کنند؛ اما مقاومت جمهوری اسلامی برای حفظ و ارتقای دانش هسته‌ای که با حمایت افکار عمومی داخلی همراه بود، به کمک نظام آمد و در نهایت دشمنان را به پذیرش حق ایران برای در اختیار داشتن دانش هسته‌ای وادار کرد.

ج) ارتقای جایگاه مردم در نظام سیاسی

مقاومت در حکمرانی اسلامی، افزایش نقش مردم در حکومت را به دنبال خواهد داشت. با عنایت به اهمیت نقش مردم برای تعیین سرنوشت سیاسی خود در حکمرانی اسلامی، رویکرد سیاسی جمهوری اسلامی از ابتدا مبتنی بر حمایت از جریان مقاومت در منطقه قرار گرفت. این سیاست را می‌توان در رویکرد دیپلماتیک جمهوری اسلامی به مسئله اشغال فلسطین و ضدیت با رژیم غاصب صهیونیستی، دفاع از مردم عراق و سوریه و یمن در برابر اشغالگران خارجی، مخالفت با رژیم‌های استبدادی و دست‌نشانده، دفاع از نهضت‌های آزادی‌بخش و حمایت از جنبش‌های مردمی در منطقه و جهان مشاهده کرد که با هدف دفاع از جایگاه مردم در نظام‌های سیاسی اتخاذ گردیده است. بر همین اساس موضع‌گیری آیت‌الله خامنه‌ای از جایگاه رهبری جمهوری اسلامی در خصوص مراجعه به آرای مردمی به عنوان تنها راه حل مسئله فلسطین قابل تبیین می‌باشد:

طرح جمهوری اسلامی برای حل قضیه فلسطین و التیام این زخم کهنه، طرحی روشن، منطقی و منطبق بر معارف سیاسی پذیرفته‌شده افکار عمومی جهانی است... ما همه‌پرسی از ملت فلسطین را پیشنهاد می‌کنیم. ملت فلسطین نیز مانند هر ملت دیگر حق دارد سرنوشت خود را تعیین کند و نظام حاکم بر کشورش را برگزیند. همه مردم اصلی فلسطین، از مسلمان و مسیحی و یهودی - نه مهاجران بیگانه - در هر جا هستند، در داخل فلسطین، در اردوگاه‌ها و در هر نقطه دیگر، در یک همه‌پرسی عمومی و منضبط شرکت کنند و نظام آینده فلسطین را تعیین کنند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۹).

ایشان اجرای این طرح مردمی را با توجه به آنکه دشمنان ملت فلسطین به‌آسانی حاضر نیستند

به آن تن دهند، به عهده جریان مقاومت می‌گذارد:

البته انتظار نداریم که صهیونیست‌های غاصب به آسانی به آن تن در دهند و اینجاست که نقش دولت‌ها و ملت‌ها و سازمان‌های مقاومت شکل می‌گیرد و معنا می‌یابد... سازمان‌های مقاومت اسلامی که بار سنگین جهاد را در سال‌های گذشته بر دوش داشته‌اند، امروز نیز با همان تکلیف بزرگ روبه‌رویند. مقاومت سازمان‌یافته آنان بازوی فعالی است که می‌تواند ملت فلسطین را به سوی این هدف نهایی به پیش ببرد. مقاومت شجاعانه از سوی مردمی که خانه و کشورشان اشغال شده، در همه میثاق‌های بین‌المللی به رسمیت شناخته شده و مورد تحسین و تجلیل قرار گرفته است (همان).

در مسئله بحران سوریه نیز جمهوری اسلامی ایران در چارچوب همین سیاست به تقویت نیروی مقاومت در برابر ایالات متحده و نیروهای دست‌نشانده این کشور اقدام نمود و مانع از سقوط دولت قانونی حاکم (بشار اسد) توسط آمریکا و جایگزینی آن با دولتی دست‌نشانده گردید؛ زیرا به اعتقاد جمهوری اسلامی، تعیین دولت سوریه به عهده مردم این کشور است و هیچ قدرت خارجی حق ندارد با توسل به اقدامات نظامی برای نظام سیاسی سوریه تصمیم‌گیری نماید. این در حالی است که به گفته چامسکی (تحلیلگر آمریکایی) «آمریکا با هر حرکت دموکراتیک در جهان مخالف است. علت آن نیز این است که آمریکا تمایلی به ایجاد نظام‌های دموکراتیک مخالف با سیاست‌های خود ندارد» (قاسمی، تهران، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۲۰۵).

د) حفظ امنیت امت اسلامی

امنیت از ضروری‌ترین نیازهای انسان در زندگی و بستری برای رشد و پیشرفت در عرصه‌های مختلف است؛ از این رو برقراری امنیت از طریق مقابله با تهدیدات همواره در کانون توجهات سیاسی-امنیتی کشورها قرار داشته است. بنابراین می‌توان یک رابطه دوجانبه بین مقاومت و امنیت ترسیم کرد؛ زیرا امنیت پایدار از طریق بهره‌گیری مناسب از فرصت‌ها برای مقابله با تهدیدها و ایستادگی در برابر عامل ایجاد ناامنی دست‌یافتنی است (صدیقی سروستانی، ۱۳۸۲، ص ۴). به گفته ولفرز امنیت هنگامی افزایش می‌یابد که توانایی یک ملت برای بازدارندگی در برابر عناصر مهاجم افزایش پیدا کند و حتی آن را شکست دهد (Wolfers, 1962, p.151). از این روی یکی از نتایج مقاومت در حکمرانی اسلامی را می‌توان حفظ و ارتقای امنیت جامعه معرفی کرد و به همین دلیل برخی امنیت را یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب دانسته‌اند (Kraay and Kaufmann, 2009, p.17). ورود جمهوری اسلامی ایران به بحران سوریه نیز در راستای تحقق این هدف قابل تبیین

است. از دید جمهوری اسلامی ایران، دفاع از سوریه در برابر تهدیدات خارجی، دفاع از منافع حیاتی و منطقه استراتژیکی ملت ایران به شمار می‌رود که در صورت کوتاهی از آن، امنیت جمهوری اسلامی ایران به خطر خواهد افتاد (Sadjadpour, 2018, p.1). از سوی دیگر در شرایط امروزی که جمهوری اسلامی با افزایش سطح تهدیدها از سوی نظام سلطه در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی و... مواجه است، تقویت قدرت ملی با تکیه به نیروهای داخلی و مردمی می‌تواند امنیت پایداری برای ملت ایران به ارمغان آورد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۱/۱۹).

هـ) حفظ عزت جامعه اسلامی

در حکمرانی اسلامی مقاومت و عدم سازش در برابر دشمنان، تضمین‌کننده عزت جامعه اسلامی است؛ زیرا از نظر قرآن کریم، اگر مسلمانان در برابر دشمنان استقامت ورزند، «به یکی از دو گزینه شایسته» (پیروزی یا شهادت عزت‌مندانه و رسیدن به بهشت) دست می‌یابند (توبه: ۵۲). قرآن کریم به مسلمانان هشدار می‌دهد با وابستگی به بیگانگان و پذیرش ولایت و سرپرستی آنان، به دنبال عزت نباشند؛ زیرا عزت فقط نزد خداست که به اهل استقامت عطا می‌فرماید (نساء: ۱۳۹). بر همین اساس آیت‌الله خامنه‌ای عزت یک ملت را به قدرت دفاع از خود در برابر دشمنان با تکیه بر قدرت ملی مرتبط می‌داند:

اگر ملتی قدرت دفاع از خود را نداشته باشد، عزت او هم هیچ گونه تضمینی ندارد. در دنیایی که هوس‌ها و انگیزه‌های مادی به جای ارزش‌های معنوی بر انسان‌های صاحب قدرت حکمرانی می‌کند، هیچ ملتی نمی‌تواند از هیچ مرکز دیگری جز قدرت درونی خود که خدای متعال به او بخشیده است، امید هیچ گونه کمک و چشمداشت حمایتی را داشته باشد. ملت‌ها باید به خودشان تکیه کنند تا بتوانند عزتی را که خود را شایسته آن می‌دانند، به‌دست بیاورند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۷/۶).

و) استقلال و قطع وابستگی

از مهم‌ترین آثار مقاومت در حکمرانی اسلامی، کسب استقلال و قطع وابستگی جامعه اسلامی به بیگانگان است. مقاومت مردم در برابر دشمنان، بی‌نیازی از آنان را برای ملت به همراه خواهد داشت. این کارکرد به عنوان وجه تمایز حکمرانی اسلامی با حکمرانی طاغوت برای نظام مستقل جمهوری اسلامی در مقایسه با رژیم وابسته پهلوی آشکار است:

یکی از مهم‌ترین مشکلات و مصائب ملت ایران در طول سالیان متمادی حکمرانی طاغوت، وابستگی به بیگانگان بود. حکومت پهلوی، ایران را در وضعیت وابستگی تمام‌عیار به قدرت‌های استعماری در ابعاد گوناگون فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... قرار داده بود. وابستگی، نقطه مقابل استقلال به عنوان «آزادی در ابعاد یک ملت»... (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۳/۱۴).

ز) آرامش و آسایش عمومی

خداوند در قرآن کریم راه تأمین آرامش و رفاه و آسایش انسان‌ها در دنیا و آخرت را استقامت‌ورزیدن بر اصول الهی می‌داند (احقاف: ۱۳). بر اساس این آیه، خداپرستان واقعی چون فقط از خدا اطاعت می‌کنند و برای عمل در چارچوب اصول و تکالیفی که خدا بر آنها قرار داده استقامت می‌ورزند، به آرامش واقعی دست می‌یابند. این گروه با پافشاری بر اصول، هیچ ترسی از دشمنان و مخالفانی که سعی می‌کنند با فشار و تهدید آنها را از مسیر حق منحرف کنند، ندارند؛ خداوند نیز آرامش را نصیب آنان می‌فرماید.

در آیه دیگر خداوند نزول رحمت و نعمت الهی را به استقامت‌ورزیدن در طریق حق مرتبط نموده، می‌فرماید: «اگر جن و انس در طریق حق [راه اسلام و ایمان] پایداری می‌کردند، ما آبی فراوان در اختیارشان می‌گذاشتیم» (جن: ۱۶). فراوانی آب در این آیه کنایه از نعمت، رفاه و آسایش دانسته شده است (قرائتی، ۱۳۸۷، ج ۱۰، ص ۲۵۲)؛ چنان‌که قرآن کریم در آیه‌ای دیگر، اعراض از یاد خدا را موجب تنگی معیشت معرفی نموده است (طه: ۱۲۴).

ح) حفظ منافع و مصالح امت اسلامی

از دیدگاه اسلام تکالیف ریشه در واقعیات دارند؛ از این رو عمل به تکلیف مصالح واقعی انسان‌ها را به بهترین وجه تأمین می‌کند. از نظر اندیشمندان اسلامی «اگر انسان، شرع را امام خود قرار بدهد، یعنی طبق آنچه که تکلیف اسلامی و شرعی است، قدم به قدم حرکت بکند، یقیناً به پیروزی خواهد رسید... چون آن محاسبه غیبی، محاسبه بسیار دقیقی است و محاسبه‌گرش خداست و دستگاه حساب‌کننده‌اش، علم الهی است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۶/۲۹). از جمله تکالیف الهی، مقاومت در برابر دشمنان اسلام است. بر اساس آموزه‌های قرآنی، نتیجه مقاومت، هزینه کمتر همراه با فایده بیشتر در مقایسه با سازش و ترک مقاومت می‌باشد؛ از این رو منافع و مصالح امت اسلامی در مقاومت مقابل دشمنان اسلام خواهد بود. از نظر قرآن کریم نتیجه

مقاومت اگر به کشته شدن در راه خدا و شهادت هم ختم شود، باز به نفع جریان مقاومت تمام خواهد شد؛ زیرا خداوند بهای سنگینی در ازای آن می‌پردازد که همان سعادت اخروی و داخل شدن در بهشت رضوان می‌باشد (محمد: ۴-۶). این در حالی است که از نظر قرآن کریم ترک مقاومت و سازش با دشمنان، مسلمانان را متحمل خسارات و هزینه‌های سنگینی می‌سازد؛ چنان‌که خداوند پس از آنکه مسلمانان را از دوستی و سازش با دشمنان اسلام بر حذر می‌دارد (ممتحنه: ۱). به خیانت دشمنان به عنوان بخشی از خسارات ناشی از سازش مسلمانان با آنان اشاره می‌فرماید: «اگر بر شما دست یابند، با شما دشمنی می‌کنند، هرچند دست دوستی به آنان داده باشید، آنان در این صورت دست و زبان‌شان را به بدی به سوی شما می‌گشایند و دوست دارند شما [همانند خودشان] کافر شوید» (ممتحنه: ۲).

در آیه بعد خداوند هشدار می‌دهد مبادا به خاطر فرزندان و خویشاوندان خود با دشمنان سازش کنید؛ زیرا این عمل هیچ سودی برای شما نخواهد داشت: «هرگز خویشاوندان و فرزندانان - که به خاطر آنان با مشرکان طرح دوستی افکندید و سزاوار عذاب الهی شدید - روز قیامت به شما سودی نمی‌رسانند. آن روز خداوند پیوندها را می‌برد و میان شما و آنان جدایی می‌افکند، و خدا به آنچه می‌کنید بیناست» (ممتحنه: ۳).

دشمنی استکبار با ملت‌های مسلمان و نحوه مواجهه کشورهای اسلامی با آنان در وضعیت کنونی مصداق آشکاری بر مطالب فوق می‌باشد؛ از این رو رهبر جمهوری اسلامی ایران تأکید می‌کند کسی نباید در اصل این ضرورت تردید و تصور کند سازش با آمریکا می‌تواند مشکلات نظام سیاسی را کمتر نماید؛ زیرا دولت‌هایی که تسلیم زیاده‌خواهی‌های آمریکا شده‌اند، متحمل خسارات و رفتاری‌های بیشتری شده‌اند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳/۸/۱۳۹۹). بنابراین مصلحت و منفعت امت اسلامی در مقاومت مقابل دشمنان است.

نتیجه

در شرایط کنونی نظام بین‌الملل با ظهور تهدیدات تازه علیه جهان اسلام، بازتولید و توزیع طرح راهبرد مقاومت در قالب حکمرانی اسلامی با تأکید بر نقش مردم در مواجهه با این تهدیدات اهمیتی دوچندان یافته است. یکی از مهم‌ترین متغیرهای حکمرانی، سرمایه اجتماعی است که از ارکان مقاومت در اندیشه اسلامی نیز به شمار می‌شود؛ زیرا مقاومت در حکمرانی اسلامی بدون

سرمایه و پشتوانه اجتماعی و مردمی شکل نمی‌گیرد.

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، مقاومت در برابر تهدیدها و فشارهای دشمنان در حکمرانی اسلامی اولاً متکی به قدرت مردم مسلمان و انقلابی است نه سایر ابزارهای مادی قدرت؛ ثانیاً بر مردم تحمیل نمی‌شود، بلکه با رضایت و مقبولیت آنان همراه است و از طریق مشارکت مستقیم و داوطلبانه گروه‌های مختلف اجتماعی شکل می‌گیرد و در راستای تحقق اهداف اجتماعی و تأمین منافع و مصالح مردمی استمرار می‌یابد؛ بنابراین تا زمانی که مردم خود آن را نخواهند، مقاومت اسلامی تحقق نیافته و شکننده خواهد بود.

از سوی دیگر دو ویژگی محوری حکمرانی اسلامی، دین و مقبولیت مردمی است؛ یعنی حکمرانی اسلامی نیز موضوعی ذاتاً مردم‌پایه می‌باشد. بر این اساس مردمی‌بودن مقاومت به عنوان یک اصل در حکمرانی اسلامی دارای مجموعه آثار، نتایج و پیامدهایی است که به طور مستقیم در زندگی مادی و معنوی مردم در جامعه اسلامی آشکار می‌گردد؛ آثار و نتایجی که می‌تواند به استحکام نظام، تقویت جایگاه مردم در نظام سیاسی، تأمین امنیت، منافع و مصالح امت اسلامی و درنهایت رشد و پیشرفت نظام اسلامی منتهی گردد.

منابع

- * قرآن کریم.
۱. آزاد ارمکی، تقی؛ «سنت، نوگرایی، توسعه»، ماهنامه فرهنگ و توسعه؛ س ۴، ش ۱۷، ۱۳۷۴.
 ۲. آشوری، داریوش؛ دانشنامه سیاسی (فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی)؛ چ ۲۱، تهران: مروارید، ۱۳۹۱.
 ۳. ابطحی، مصطفی، فرض‌علی سالاری سردری و حسن آرایش؛ «بررسی و تبیین حکمرانی شایسته در رویکرد حکمرانی نظام جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد سیاسی؛ س ۲، ش ۵، تابستان ۱۳۹۷.
 ۴. ابن‌الثیر، مجدالدین محمد بن محمد؛ النهایه؛ بیروت: المكتبة العلمية، ۱۳۹۹ق.
 ۵. ابن‌عاشور التونسی، محمد الطاهر بن محمد؛ التحرير والتنوير؛ تونس: الدار التونسية للنشر، ۱۹۸۴م.
 ۶. امام خمینی، روح‌الله؛ صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (ره)؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹.
 ۷. بالوی مهدی و مهناز بیات کمیتی؛ «اندیشه حکمرانی و مبانی مشروعیت سیاسی دولت از منظر امام خمینی»، فصلنامه پژوهش‌های فقهی؛ ش ۱۰، ۱۳۹۳، ص ۵۸۴-۵۴۹.
 ۸. التهانوی، محمد علی؛ کشف اصطلاحات الفنون والعلوم؛ بیروت: مکتبه لبنان ناشرون، ۱۹۹۶م.
 ۹. جعفری کرمانشاه، عبدالصالح، بهمن آرامی‌نیا، احمد فیاض‌بخش و علیرضا باقری؛ «شناسه مردم (تعریف انسان)»، مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی؛ دوره ۴، ش ۱، ۱۳۸۹، ص ۳۱-۳۹.
 ۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی؛ رساله آموزشی، نسخه الکترونیکی در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، در <https://farsi.khamenei.ir>.
 ۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی؛ بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۱۳۹۲/۱۱/۱۹.
 ۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی؛ بیانات در مراسم بیست و پنجمین سالروز رحلت حضرت امام

- خمینی، ۱۳۹۳/۳/۱۴.
۱۳. خامنه‌ای، سیدعلی؛ بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام علی، ۱۳۸۴/۷/۶.
۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی؛ بیانات در دیدار با فرماندهان یگان‌های عمده عملیاتی نیروی زمینی و هوانیروز، ۱۳۶۳/۱۲/۵.
۱۵. خامنه‌ای، سیدعلی؛ بیانات در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و رؤسای دفاتر نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۶۹/۶/۲۹.
۱۶. خامنه‌ای، سیدعلی؛ بیانات به مناسبت میلاد حضرت محمد و ولادت حضرت امام جعفر صادق، ۱۳۹۹/۸/۱۳.
۱۷. خامنه‌ای، سیدعلی؛ بیانات در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۳۶۶/۶/۳۱.
۱۸. خامنه‌ای، سیدعلی؛ بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳/۵/۲۵.
۱۹. خامنه‌ای، سیدعلی؛ بیانات در صحن مطهر حضرت معصومه (س)، ۱۳۷۴/۹/۱۳.
۲۰. خامنه‌ای، سیدعلی؛ بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۰/۸/۱۶.
۲۱. خامنه‌ای، سیدعلی؛ بیانات در کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین، ۱۳۹۰/۷/۹.
۲۲. خامنه‌ای، سیدعلی؛ بیانات در مراسم مشترک نیروهای مسلح در پایگاه هوایی شهید نوژه همدان، ۱۳۸۳/۴/۱۸.
۲۳. خامنه‌ای، سیدعلی؛ بیانات در دیدار جمعی از مدیران و فعالان فرهنگی دفاع مقدس، ۱۳۷۹/۷/۶.
۲۴. تهامی، مجتبی؛ امنیت ملی، دکترین سیاست‌های دفاعی و امنیتی؛ ج ۱، چ ۲، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، معاونت فرهنگی، ۱۳۹۰.
۲۵. دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۱.
۲۶. رحمت‌اللهی، حسین؛ تحول قدرت: دولت و حاکمیت از سپیده دمان تاریخ تا عصر جهانی شدن؛ تهران: نشر میزان، ۱۳۸۸.
۲۷. شریف‌زاده، فتاح و رحمت‌الله قلی‌پور؛ «حکمرانی خوب و نقش دولت»، نشریه مدیریت فرهنگ سازمانی؛ ش ۴، زمستان ۱۳۸۳.
۲۸. صدیقی سروستانی، رحمت‌الله؛ «حاشیه نشینی و پیامدهای امنیتی آن»، فصلنامه علوم انتظامی؛ ش ۸، ۱۳۸۲.
۲۹. طباطبایی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ترجمه سیدباقر موسوی همدانی؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۸.

۳۰. عالم، عبدالرحمن؛ بنیادهای علم سیاست؛ تهران: نشر نی، ۱۳۷۵.
۳۱. عالم، عبدالرحمن؛ تاریخ فلسفه سیاسی غرب (عصر جدید و سده نوزدهم)؛ چ ۸، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.
۳۲. عمید، حسن؛ فرهنگ فارسی عمید؛ تهران: راه رشد، ۱۳۸۹.
۳۳. قاسمی، بهزاد؛ «تأثیر الگوی حکمرانی انقلاب اسلامی ایران بر جوامع اسلامی»، مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش ملی حکمرانی اسلامی؛ تهران: پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، ۱۳۹۹.
۳۴. قالیباف، محمدباقر؛ حکومت محلی یا استراتژی توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران؛ چ ۶، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۱.
۳۵. قرائتی، محسن؛ تفسیر نور؛ تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۷.
۳۶. مجتهدزاده، پیروز؛ جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی؛ چ ۶، تهران: سمت، ۱۳۹۲.
۳۷. مدنی، محمود؛ میرزای شیرازی احیاگر قدرت فتوا؛ قم: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.
۳۸. معین، محمد؛ فرهنگ فارسی معین؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸.
۳۹. مفتاح، محمدهادی، غلامعلی قاسمی و نسرين كردنژاد؛ «امكان سنجی اجرای نظریه حکمرانی خوب در جوامع اسلامی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ش ۲، ۱۳۹۴، ص ۱۵۱-۱۷۵.
۴۰. ملک‌زاده، محمد؛ سیره سیاسی معصومان؛ در عصر حاکمیت جور؛ تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱.
۴۱. میدری، احمد؛ حکمرانی خوب و بنیان توسعه؛ تهران: مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌ها، دفتر بررسی‌های اقتصادی، ۱۳۸۵.
۴۲. نقیبی مفرد، حسام؛ حکمرانی مطلوب در پرتو جهانی شدن حقوق بشر؛ تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۸۹.
43. Baptiste, J. B.; "Modernization and Political Instability", **World Politics** V, 26 N, 2003.
44. Johnson, L.; **Redefining the Concept of Governance**; 1997.
45. Kaufmann, D., Kraay, A. and Mastruzzi, M.; "Governance matters VIII: Aggregate and individual governance indicators 1996-2008", **World Bank Policy Research Working Paper**, 2009, pp.1-103.

46. Pettai, V. & Illing, E.; "Governance and Good Governance", **Journal of Humanities and Social Sciences**; Vol8. No4, 2004.
47. Sadjadpour, Karim; "Iran,s Unwavering Support To Assad,s Syria, Combating Terrorism Center", **Syria Special Issue**, Volume 6, Issue 8, 2018.
48. Wolfers, Arnold; "National Security As An Ambiguous Symbol", **Political Science Quarterly**; New York, No67, 1962.
49. World Bank Institute; Governance data: Web-interactive inventory of datasets and empirical tools. Washington, DC., 2018, Available at: <http://www.worldbank.org/wbi/governance/govdatasets/index.html>.